

منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین

علی اکبر جعفری^۱
ملیحه نیکروش^{۲*}

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

چکیده

با توجه به اهمیت قدرت نرم در روابط بین الملل و تأثیر کاربرد قدرت نرم بر پرستیژ بین المللی نهادهای سیاسی، پرداختن به موضوع قدرت نرم یکی از مباحث مهم در سیاست خارجی، روابط بین الملل و حتی مطالعات آکادمیک می باشد. سؤال اصلی مقاله این است: با توجه به نفوذ جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق و اهمیت عراق جدید در محیط راهبردی ایران، منابع فرهنگی قدرت نرم افزاری ایران در این کشور چه مؤلفه‌هایی را دربر می گیرد؟ فرضیه مقاله آن است که جمهوری اسلامی ایران، از منابع قدرت نرم فرهنگی - مذهبی، در عراق جدید برخوردار است. در همین راستا، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که، منابع فرهنگی قدرت نرم ایران در عراق عبارتند از: سابقه حضور امام خمینی (ره) در عراق، ریشه‌های ایرانی کشور عراق، سنت‌ها و عادت‌های تاریخی؛ نظیر نوروز، گسترش زبان فارسی در عراق، فرهنگ همزیستی مسالمت آمیز اقوام مختلف ایران به عنوان الگویی برای جامعه چندپاره عراق، موقعیت علمی ایران، سازمان‌های فعال فرهنگی - مذهبی، رواج موسیقی سنتی ایرانی در عراق، انجمن‌های دوستی ایران و عراق، حضور درصد قابل توجهی از شیعیان در دو کشور، وجود حوزه‌های علمیه در دو کشور و مبادلات علمی و فرهنگی بین آن‌ها و جایگاه والای مرجعیت در دو کشور. در این مقاله، بعد از بررسی قدرت نرم و منبع فرهنگی آن، به بررسی منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین پرداخته شد. این مقاله برای پاسخ به سؤالات پژوهش، از روش تلفیقی (اسنادی - تاریخی) بهره گرفته است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، قدرت نرم، عراق، مذهب، فرهنگ.

کاربست پدیده‌ای به نام قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران، یک دهه پیش از آن که توسط جوزف نای (افتخاری، ۱۳۹۱: ۳) مطرح شود، حاصل تغییرات و پالایشی بود که توسط امام خمینی (ره) و انقلابیون ایران، در حوزه قدرت و سیاست صورت گرفت و چهره مطبوع، جذاب و قابل پذیرش از قدرت ارائه کرد و با روشی نرم و مسالمت‌آمیز، ساختارهای مستحکم نظامی - سیاسی را در هم پاشید (جمالی، ۱۳۸۹: ۹۷) و به عنوان پدیده‌ای که بر اساس ارزش‌های دینی و اسلامی، شکل گرفت، الگوی جدیدی از مقاومت و مبارزه را متجلی ساخت و به صورت نمونه‌ای الهام‌بخش و الگو عمل کرد (بیک، ۱۳۸۸: ۱۸-۹). بنابراین، قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی ایران نه تنها در سطح داخلی دارای اهمیت قابل توجهی بود بلکه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، حائز اهمیت و قابلیت بازشناسی می‌باشد (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۶). به عبارتی، جمهوری اسلامی ایران نیز از ابتدای شکل‌گیری خود، رویکرد قدرت نرم و دیپلماسی عمومی را همواره مد نظر داشته و در روابط خود با سایر ملت‌ها، به این بُعد مهم از قدرت توجه ویژه‌ای داشته است.

در این میان، منطقه‌ی خاورمیانه، خلیج فارس و آسیا، با توجه به اهمیت فوق‌العاده‌ی خود و توجه سایر قدرت‌ها به آن، از جایگاه ویژه‌ای در منظر نرم‌افزارانه‌ی ایران برخوردار بوده است (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۲۲). در محیط امنیتی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، کشور عراق نیز به عنوان عضوی از دو منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، بر محیط امنیتی و سیاسی کشورمان تأثیرگذار بوده و خواهد بود (برنا بلداجی، ۱۳۹۱: ۱). ایران با داشتن اشتراکات مذهبی، فرهنگی و پیوندهای سیاسی با این کشور، از قدرت نرم قابل توجهی در این کشور برخوردار است که این موضوع، ایران را در راستای پیگیری اهداف سیاست خارجی در آن کشور و همچنین در منطقه، توانمند ساخته است. همراه ساختن کشور عراق با سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، نیازمند افزایش قدرت نرم ایران در این کشور و پذیرش سیاست‌ها و مواضع ایران در میان افکار عمومی و همچنین سیاست‌گذاران عراقی است. با توجه به مطالب فوق‌الذکر، پرسش اصلی مقاله حاضر عبارت است از: جمهوری اسلامی ایران دارای چه منابع فرهنگی قدرت نرم در عراق نوین می‌باشد؟ در این مقاله با این فرضیه رو به رو هستیم؛ سابقه حضور امام خمینی (ره) در عراق، ریشه‌های ایرانی کشور عراق، سنت‌ها و عادت‌های تاریخی؛ نظیر نوروز، گسترش زبان فارسی در عراق، فرهنگ هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام مختلف ایران به عنوان الگویی برای جامعه چند پاره عراق، موقعیت

علمی ایران، سازمان‌های فعال فرهنگی - مذهبی، رواج موسیقی سنتی ایرانی در عراق، انجمن‌های دوستی ایران و عراق، حضور درصد قابل توجهی از شیعیان در دو کشور، وجود حوزه‌های علمیه در دو کشور و مبادلات علمی و فرهنگی بین آن‌ها و جایگاه والای مرجعیت در دو کشور، از جمله منابع فرهنگی - مذهبی قدرت نرم ایران در عراق محسوب می‌گردد.

۱. چارچوب نظری؛ قدرت نرم و فرهنگ

قدرت ملی یک کشور دارای دو وجه نفوذ و اجبار می‌باشد. وجه نفوذ، بیشتر جنبه‌ی ذهنی دارد و کشورها و دولت‌ها تلاش می‌کنند با اعمال نفوذ خود بر دیگران، قدرت خود را به‌کار گیرند و اراده‌ی خود را تحقق بخشند. وجه اجبار بیشتر جنبه عینی دارد و بر قدرت نظامی و ابزارهای تنبیهی متکی است که به‌طور معمول دولت‌ها در مراحل بعدی و در صورت مؤثر واقع نشدن وجه نفوذ به‌کار می‌گیرند. وجه نفوذ همان مؤلفه‌ای است که از آن به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌شود و اندیشمندان و محققان سیاست بین‌الملل و مطالعات راهبردی نیز در مناسبات بین واحدهای سیاسی و در عرصه‌ی نظام بین‌الملل از این نوع قدرت سخن گفته‌اند. هرچند قدرت نرم از حیث شامل شدن قدرت سخت (تهدید) و یا پاداش نیز نمی‌تواند مانند نفوذ باشد ولی قدرت نرم چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از طریق استدلال می‌باشد. قدرت نرم هم‌چنین شامل توانایی‌های جذب کردن نیز می‌شود و عمل جذب، اغلب باعث مشارکت توأم با رضایت می‌گردد (نای، ۱۳۸۹: ۴۴ و بیگدلو، ۱۳۹۰: ۱۵۶). نای بر این اساس که توانایی تغییر آنچه دیگران می‌خواهند، بر جاذبه‌های فرهنگی یا ارزشی و یا قابلیت نفوذ و تغییر در چیدمان اولویت‌های سیاسی متکی است و روش‌شناسی انجام این عمل، نه صدور دستور، تهدید و اجبار، تشویق و تنبیه اقتصادی، بلکه تنظیم اولویت، جاذبه‌ی خاص و متقاعد سازی (روش‌های نرم) می‌باشد (نای، ۱۳۸۷: ۴۶). وی در راستای تعمیق این موضوع در مقاله «منافع قدرت نرم» بیان می‌دارد که این راه غیر مستقیم برای دستیابی به اهداف، «روی دوم قدرت» می‌باشد. هم‌چنین وی تأکید دارند که: «قدرت نرم یک پدیده مورد نیاز روزمره در سیاست و ایجاد ترجیحات و علایق معمولاً با داشته‌هایی چون: شخصیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی جذاب یا سیاست‌هایی است که دارای مشروعیت یا اعتبار اخلاقی به نظر می‌رسند.» (نای، ۱۳۸۶: ۱۱۰) البته نای معتقد است که بسیاری از منابع قدرت نرم از مهار و کنترل سازمان‌های سیاسی خارج هستند و تأثیر

آن‌ها منوط به پذیرش مخاطبان می‌باشد و همین امر، قدرت نرم را پدیده‌ای زمان‌بر و طولانی می‌سازد (نای، ۲، ۱۳۸۹: ۱۹۱). باید میزان مشروعیت حاصل از بهره‌گیری قدرت را افزایش داد زیرا از این طریق، مقاومت در برابر اهداف کشور مهاجم کاسته می‌شود و در صورت پیوند و ارتباط وثیق میان این بعد از قدرت با هنجارهای بین‌المللی و ایدئولوژی، اشتیاق بیشتری نسبت به پذیرش این قدرت ایجاد خواهد شد و از هزینه‌های اضافی خواهد کاست (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۳). از همین روی، نای مدعی می‌شود که اثبات قدرت در گروی توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر است. در واقع، جوزف نای میان قدرت داشتن بر کشورها و قدرت داشتن بر نتیجه‌ها تمایز قائل شد (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۶).

البته این رویکرد به معنای سلب کاربرد قدرت نرم برای سطوح داخلی کشورها نیست و می‌توان قدرت نرم را در سطح ملی مورد استفاده قرار داد. از منظری دیگر، رابطه دولت و شهروندان می‌تواند براساس قدرت نرم سازمان‌دهی شود و همین گزینه، بسترهای شکل‌گیری یک دولت مشروع را فراهم می‌آورد.

قدرت نرم مانند سایر اشکال قدرت، برآیندی از برخی منابع است. اهمیت شناخت و آگاهی از منابع آن است که این منابع به میزان زیادی تعیین‌کننده ماهیت آن قدرت می‌باشند. به نظر نای، قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع اصلی فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های داخلی و خارجی پدید آید (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۸ و افتخاری، ۱۳۹۲: ۲۶).

بررسی‌ها حکایت از اهمیت فرهنگ و مطالعات فرهنگی در حوزه سیاست و اجتماع دارد از این رو، فرهنگ معانی مختلفی دارد ولی امروز، بیشتر به صورت نرم‌افزاری تعریف می‌شود تا سخت‌افزاری. در راستای همین نگرش، مسائل فرهنگی یکی از حوزه‌های استراتژیک و حائز اهمیت در تأمین امنیت و قدرت نرم در جامعه محسوب می‌شود. در قاموس و عرف سیاست بین‌الملل از واژه فرهنگ به عنوان قدرت نرم یاد می‌شود و آنچه از محتوای کلمات متفکران و اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم برمی‌آید این است که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم همراه با رضایت بر دیگران و غیره می‌باشد. از این رو؛ قدرت نرم رفتار همراه با جذابیت، قابل رؤیت، اما غیر محسوس است. در قدرت نرم و یا قدرت فرهنگی، بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و همه خواست‌ها سود می‌جوید. از این چشم‌انداز، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌ها گفته می‌شود که با به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ به صورت غیر مستقیم بر منابع یا رفتارهای دیگر

کشورها اثر می‌گذارد. بنابراین قدرت نرم با منابع نامحسوس مثل فرهنگ ارتباط دارد (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۷-۲۹۶). از نظر برخی از نویسندگان، برخی از فرهنگ‌ها بیش از فرهنگ‌های دیگر به منبعی برای قدرت نرم کشورها تبدیل می‌شوند. آنان برخی از آن ویژگی‌ها را چنین بر شمرده‌اند: انعطاف‌پذیری، پویایی، برخورداری از ارزش‌های پایدار، اخلاق محوری، قدرت اشاعه و تولیدات فرهنگی (الیاسی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

۲. تحلیل منابع فرهنگی قدرت نرم ایران

مهم‌ترین و بیشترین منابع قدرت نرم ایران در کشور عراق، تشابهات فرهنگی و تاریخی بین دو کشور می‌باشد. این منابع عبارتند از:

۱-۲. سابقه حضور امام خمینی (ره) در عراق

در تاریخ پانزده ساله انقلاب اسلامی، بخش اعظم را دوران تبعید حضرت امام از ایران تشکیل می‌دهد که همین دوران هم به قسمت‌هایی چون دوران تبعید در ترکیه و دوران تبعید در عراق و دوران اقامت در فرانسه قابل عنوان‌بندی است. منظومه‌ی فکری امام خمینی (ره) در بردارنده‌ی عناصری متعدد است که آثار وضعی آن، تولید قدرت نرمی است که به مراتب از قدرت سخت یا قدرت نرم جریان امپریالیسم بیشتر است. خودساختگی امام، آگاهی به زمان، تدبیر، شجاعت کم‌نظیر، اتکال به خدا، اعتماد به نفس و اعتقاد به مردم، عنصر تکلیف‌گرایی و... ابعادی از این منظومه بوده‌اند که بستر ساز قدرت نرم در انقلاب اسلامی شدند. ویژگی‌های برجسته‌ی شخصیتی امام خمینی (ره) که خود پدیدآورنده‌ی جاذبیتی بالا در بین توده‌ها و حتی نخبگان فکری و علمی بوده است، عامل جذب طیف‌های فکری مختلف از مسلمانان و غیر مسلمانان در ایران و جهان شد، لیکن ایشان با بهره‌گیری از عناصر فکری خاص خود، قدرت نرمی تولید کردند که هنوز قابل مشاهده است (مرادی، ۱۳۸۹: ۲۵). بی‌شک حضور امام خمینی (ره) در سال‌های متمادی در خاک این کشور و آشنایی مراجع و مردم این کشور با ابعاد شخصیتی ایشان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر جنبش‌های شیعی در عراق بود. امام در ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴، پس از یازده ماه اقامت در ترکیه، به عراق تبعید شد (آقایی، ۱۳۸۸: ۱۰). امام خمینی در روز ۲۳ مهرماه ۱۳۴۴، به نجف اشرف عزیمت کردند و استقبال حوزه‌ی علمیه‌ی نجف از امام گسترده و باشکوه بود (محتشمی پور، ۱۳۷۶: ۴۷۷-۴۷۶). پس از ورود امام به نجف، علمای نجف طبق رسم حوزه به دیدار امام آمدند. از جمله فعالیت‌های امام در دوران اقامت در نجف اشرف، تدریس و تعامل با

حوزه علمیه نجف بود. کلاس‌های درس امام با استقبال بی نظیر طلاب حوزه مواجه شد (آقایی، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۵). از جمله دیگر اقدامات مهم امام خمینی (ره) در دوران تبعید در عراق، بیان بحث حکومت اسلامی و ولایت فقیه بود (آقایی، ۱۳۷۸: ۱۴). ایشان با طرح نظریه ولایت فقیه و حکومت اسلامی غوغایی در نجف ایجاد کرد. این اقدام امام، نقطه عطفی بود در تاریخ فقه شیعه، چرا که چارچوب مبارزه امام با شاه، اسرائیل و آمریکا از بعد نظری و مبانی فکری شکافته شد و طبعاً در کنار نفی حاکمیت طاغوت، امام اثبات حاکمیت الله را در نجف رقم زد. از بُعد مرجعیت هم پس از رحلت مرحوم آیت الله حکیم طبعاً شعاع مرجعیت امام به تمام کشورهایی که شیعه در آن وجود داشت، گسترش پیدا کرد. پس از رحلت مرحوم حکیم، شیعیان هند، کشمیر، افغانستان، پاکستان، منطقه شرقی عربستان، بخش عظیمی از عراق و شیعیان سایر کشورها عمدتاً در تقلیدشان به حضرت امام رجوع کنند و این امر منجر به آن شد که دایره مرجعیت حضرت امام به سراسر جهان تشیع گسترش پیدا کند (کلاهدوز، ۱۳۸۹: ۱۴). در واقع می‌توان دستاوردهای حضور امام در عراق را در موارد زیر خلاصه نمود:

یک. ایجاد روابط عمیق بین امام (ره) و حوزه علمیه نجف؛

دو. مطرح شدن امام خمینی (ره) به عنوان یکی از مرجعیت‌های علمی در حوزه‌های ایران و عراق؛

سه. آشنایی روحانیون حوزه علمیه نجف با اندیشه‌های امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی و پیام‌های انقلاب اسلامی؛

چهار. مبارزه با دیدگاه سنتی جدایی دین از سیاست حاکم بر حوزه نجف و رهایی برخی از روحانیون از این دیدگاه سنتی؛

پنج. آشنایی روحانیون و مردم عراق از دلایل عقلی و نظری مبارزه امام با آمریکا و اسرائیل؛

شش. بیدار نمودن مردم عراق برای رهایی از حکومت جور و ستم؛

هفت. پخش و انتشار نوشته‌های امام و آشنایی بیشتر مردم این کشور با اندیشه‌های ایشان؛

هشت. زمینه‌سازی برای تعاملات در سطوح مذهبی و علمی میان دو کشور و ایجاد حضور محققین دانشگاهی و علماء حوزوی ایران و عراق در کشورهای یکدیگر نه‌نشان دادن جایگاه و مرتبه علمی و سیاسی ایرانیان به مردم کشور عراق.

۲-۲. ریشه های تمدنی ایران در عراق

در هیچ کشوری آثار تمدن و فرهنگ ایرانی، خواه در روزگاری که آن را ایران باستان می‌نامند و خواه از عصر اسلامی، به اندازه آنچه در عراق دیده می‌شود، وجود ندارد و آثار تمدن، فرهنگ و هنر ایرانی در همه جای این کشور دیده می‌شود. شمال عراق در دوران باستان بخش اصلی امپراتوری آشور را تشکیل می‌داد. در زمان اشکانیان نیز شمال عراق و مناطق کردنشین مرکز دینی و بازرگانی ایران بودند. تمام کردستان تا سال ۱۵۱۴ میلادی یکی از ایالات ایران بود (پارساپور، ۱۳۸۸: ۳). واژه «عراق» که هم اکنون نام این کشور است، یک واژه فارسی است. عراق عربی شده واژه «اراک» است. نام دیگر سرزمین عراق چنان‌که در کتاب‌های جغرافیایی عصر اسلامی است، «دل ایران‌شهر» بوده است و دل ایران‌شهر به معنی «مرکز کشور ایران» است (امام شوشتری، ۱۳۷۴: ۲-۱). نام پایتخت عراق امروزی، بغداد ریشه‌ای کاملاً ایرانی دارد که حکایت از شکوه و عظمت ایرانیان در منطقه بین‌النهرین دارد (پارساپور، ۱۳۸۸: ۵). در بیست کیلومتری جنوب بغداد، شهر مداین قرار دارد که در زبان فارسی به آن تیسفون گفته می‌شود. تیسفون حدود یک هزار سال پایتخت دولت ایران بود (سنائی و عبدالله‌پور، ۱۳۸۸: ۱۷۶). از دیگر شهرهای کهن عراق که با ایران پیوند تاریخی، نژادی و دینی دارد، بصره است. بصره امروزه کانون شیعیان است و آداب و رسومات دینی آنان تقریباً مشابه ایرانیان است (پارساپور، ۱۳۸۸: ۶). وجود پیوند و ریشه‌های تاریخی میان دو کشور ایران و عراق، علی‌رغم این که بر سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک دو کشور تأثیر شایان توجهی دارد، بر میزان قدرت نرم ایران در عراق تأثیر مثبتی دارد. زیرا ریشه‌های تاریخی مشترک و وجود آثار تمدنی، فرهنگی - اجتماعی ایران در عراق، مردم این کشور و مسئولین آن‌ها را به مردم نزدیک می‌کند و شرط اساسی قدرت نرم، مدیریت افکار عمومی مردم آن نظام سیاسی است و داشتن پیشینه مشترک تاریخی و مشترکات فرهنگی، زمینه‌های تأثیرپذیری مردم و مسئولین عراق را نسبت به خواسته‌های ایران افزایش می‌دهد.

۲-۳. سنن تاریخی مشترک

سنت‌ها و عادت‌های تاریخی ایرانیان مظهري از قدرت نرم ایران به شمار می‌رود. تقویت عناصر تمدن ایرانی همچون اسطوره‌ها و آیین‌های کهن در مناطقی که در حوزه‌ی تمدنی ایران قرار دارند، می‌تواند موجب همبستگی بیشتر میان مردمان این مناطق شود. از جمله مهم‌ترین آیین‌های ایرانی که برای برنامه‌ریزی در جهت تقویت وجهه‌ی ایرانی و قدرت

نرم ایران در جهان مناسب است، «نوروز» است. (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۴). مراسم نوروز به عنوان عید باستانی و ملی ایرانیان از غرب چین تا شرق بالکان برپا می‌شود. فراگیری مراسم و مناسبت‌های ایرانی مانند «نوروز» نشان از نفوذ فوق‌العاده‌ی فرهنگ ایرانی در میان جوامع دیگر دارد (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۳). مراسم نوروز و حواشی آن فرصتی است که ایران و فرهنگ ایرانی به مردم جهان معرفی می‌شود (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۱۰۷). در حالی که رئیس‌جمهور تاجیکستان سال ۲۰۰۶ را سال «تمدن آریایی» نامیده بود، دیپلماسی نوروزی تهران در فروردین ۱۳۸۹ با حضور سران کشورهای افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، عراق و... در جشن جهانی نوروز و دیدار آن‌ها با بالاترین مقامات جمهوری اسلامی از جمله رهبر انقلاب، توجه صاحب‌نظران و تحلیلگران را به خود جلب کرد. جمهوری اسلامی ایران برای پایه‌ریزی روند هم‌گرایی میان کشورهای حوزه‌ی تمدنی ایران، پیشنهاد تشکیل دبیرخانه‌ی دائمی نوروز در ایران را مطرح کرده است (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۳۶) و دومین جشن جهانی نوروز نیز در هفتم و هشتم نوروز ۱۳۹۰ با حضور رؤسای جمهور ایران، تاجیکستان، عراق، افغانستان و ترکمنستان و دیگر مقامات بلند پایه سایر کشورها در محل حافظ تهران برگزار شد. نوروز از اعیاد ملی عراق محسوب می‌شود و کردها، اعراب و اقلیت‌های قومی دیگر عراق، عید نوروز را جشن می‌گیرند (فراهانی، ۱۳۸۵: ۱۶۶-۱۶۵). باید اذعان داشت که برگزاری عید نوروز در عراق و داشتن نشانگاه‌های مشترک با ایران در کنار جهانی شدن عید نوروز، بر قدرت نرم ایران تأثیر زیادی خواهد گذاشت؛ زیرا مقامات سیاسی دو کشور ایران و عراق برای تشکیل و برگزاری نوروز با یکدیگر حول یک محور مشترک جمع می‌آیند و همین امر زمینه‌های اتحاد و وحدت فرهنگی، اجتماعی و گاه سیاسی را افزایش می‌دهد و زمینه‌های لازم برای چانه‌زنی‌های دیپلماتیک در حواشی این مراسم را فراهم می‌آورد و مسئولین و سران دو کشور در یک شرایط عاری از تنش و منازعه می‌توانند به گفت و گو بپردازند و همگرایی فرهنگی در سطح منطقه را ارتقاء بخشند.

۲-۴. زبان و ادبیات فارسی

یکی از عناصری که توسط نقش‌آفرینان دولتی و غیردولتی به کار می‌رود و دارای تأثیر قابل توجه‌ای در کشورهای هم‌زبان می‌باشد، عنصر زبان است (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۰). هرچند زبان فارسی یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است و به طور رسمی تنها در کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان عمومیت دارد و در کشورهای نظیر عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان نیز گروهی از مردم به این زبان سخن می‌گویند (درخشه

و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۰). با توجه به پیوند زبان فارسی و فرهنگ اسلامی، کسی که با لایه‌های بیرونی زبان فارسی آشنا شد، بعداً تمایل پیدا می‌کند به لایه‌های درونی گذر کند و لایه‌های درونی ادبیات فارسی نیز مشحون از معارف اسلامی و معارف قرآنی است (کمالیان، ۱۳۸۷: ۹). گنجینه‌های ادبیات کلاسیک فارسی که حاوی بسیاری از مضامین فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی است، امروزه مصداق قدرت نرم ایران محسوب می‌گردد (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). زبان فارسی از دیرباز حضور محسوس در عراق داشته و در دوره‌های مختلف تاریخی می‌توان ردپای زبان فارسی را در سرزمینی که امروزه عراق خوانده می‌شود، یافت. زبان فارسی در طول تاریخ به راهکارهای گوناگون به این کشور نفوذ می‌کند. هجرت‌های دو جانبه خانواده‌های ایرانی عراقی و تلافی دو طرف در نجف اشرف عاملی مهم در فراگرفتن زبان فارسی توسط قشر روحانی می‌شود (بیکی، ۱۳۸۹: ۲۳۹). در جنوب کشور عراق نیز گروهی از شیعیان فارسی زبان هستند که با ایران روابط استواری دارند که این روابط تاکنون هرگز گسسته نشده است (مار، ۱۳۸۰: ۳۱). جلال طالبانی رئیس‌جمهور عراق که مدت‌ها در ایران زندگی کرده از جمله رهبران فارسی زبان جهان است. خیل عظیمی از نوجوانان و جوانان عراقی در حال فراگیری زبان فارسی هستند و آن را به‌عنوان زبان دوم جایگزین انگلیسی کرده‌اند (سنائی و عبدالله پور، ۱۳۸۸: ۱۷۷). هم‌چنین، از ویژگی‌های بارز حوزه علمیه نجف اشرف، فارسی بودن آن می‌باشد. زیرا اکثر طلاب آن از ایران، پاکستان، افغانستان و هند می‌باشد که در نتیجه به زبان فارسی تسلط کامل دارند (پارساپور، ۱۳۸۹: ۵۳). وجود زبان فارسی در عراق و رواج یادگیری زبان فارسی در مناطق مرزی ایران بر قدرت نرم ایران می‌افزاید زیرا با متکلمان زبان فارسی به راحتی می‌توان دیالوگ برقرار کرد و پیام جمهوری اسلامی ایران را به آن‌ها تحویل داد و در عین حال، فرهنگ ایرانی را با زبان فارسی بهتر می‌توان در میان مردم عراق درونی کرد. در عین حال، زبان فارسی می‌تواند یک ابزار برای دیپلماسی مسئولین ایران با مردم عراق باشد و از این طریق به راحتی منظور را به آن‌ها رساند.

۲-۵. الگوی فرهنگی هم‌زیستی اقوام ایرانی

اقوام مختلفی در ایران ساکن هستند و علاوه بر این تنوع قومی، شاهد تنوع در مذاهب نیز می‌باشیم؛ ایران ترکیبی از شیعه، سنی، مسیحی، کلیمی و... می‌باشد. نکته قابل توجه اینکه، اقوام مختلف ایرانی و پیروان مذاهب مختلف در طول تاریخ ثابت کرده‌اند هویتشان در پیوند با ایران شکل گرفته است و تکیه بر قومیت، جدای از فضای جغرافیایی ایران،

در آن‌ها دیده نمی‌شود (پیشگامی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۳). اما بر خلاف ایران، کشور عراق از وحدت و یکپارچگی برخوردار نیست. جامعه کنونی عراق برخوردار از یک ترکیب ناهمگون قومی و مذهبی است (غفاری هاشجین و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۸). از لحاظ مذهبی بیش از ۹۳ درصد مردم عراق مسلمان هستند. از این تعداد ۶۰ تا ۶۵ درصد شیعه و ۳۰ تا ۳۵ درصد سنی می‌باشند. همچنین اقلیت‌های مسیحی، یهودی، آشوری، یزیدی و صائبی ۵ درصد جمعیت عراق را شامل می‌شوند. به لحاظ قومی نیز ترکیبی از اعراب، اکراد، ترکمن و... جامعه عراق را تشکیل می‌دهند. در کنار این تنوع، در هم تنیدگی‌ها و پیوندهای متداخل قومی - مذهبی به پیچیدگی اوضاع و تشدید شکاف‌ها کمک کرده است (مقصودی، ۱۳۸۴: ۱۲۸-۱۲۶). وجود شکاف‌های قومی - فرقه‌ای متعدّد در عراق باعث شکل‌گیری و برجستگی هویت قومی - فرقه‌ای در این کشور شده است. عراقی‌ها تاکنون فاقد تعلقات و حس هویت ملی قوی بوده‌اند (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۲۰). در نقطه مقابل، جمهوری اسلامی ایران کشوری است که اقوام، قومیت‌ها و پیروان مذاهب مختلف را در خود جای داده است، ولی مردم این کشور خود را با عنوان ایرانی می‌شناسند و همین امر عامل قدرت نرم ایران در سطح ملی است. از آنجایی که کشور عراق در همسایگی ایران قرار دارد جمهوری اسلامی می‌تواند با صدور الگوی یکپارچگی ملت ایران (در امور اساسی و ملی) به کشور عراق، به این کشور در راستای دستیابی به ثبات و امنیت داخلی کمک شایانی نماید و از این طریق حسن نیت خود را به مردم این کشور نشان دهد و نفوذ خود را در این کشور افزایش دهد.

۲-۶. موقعیت علمی ایران در منطقه خاورمیانه

میزان پیشرفت علمی و دستیابی به روش‌های نوین تولید ثروت، برتری ملت‌ها در دنیای امروز است و زمینه‌ساز توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است (بیک، ۱۳۸۹: ۱۸۷). از نظر شاخص‌های علمی و فنی، کشور ایران جزء برترین کشورهای منطقه است و تا به حال توانسته به رغم محدودیت‌های بین‌المللی رشد قابل توجهی در دستیابی به یافته‌های علمی نوین در حوزه‌های مختلف داشته باشد (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۲). در بُعد تولیدات علمی نیز بر اساس آمار موجود، ایران با تولید مقالات علمی متعدد توانسته است تولیدات علمی خود را تا ده برابر افزایش دهد. بر اساس توزیع معرفتی و مطالعه تطبیقی رشد تولید علم در ایران روز به روز خاصیت آماری بیشتری می‌یابد و این رشد اجازه می‌دهد تولید علمی کشور مورد محاسبه قرار گیرد (بیک، ۱۳۸۹: ۱۸۹). موقعیت علمی والای ایران در منطقه نیز در افزایش پرستیژ و اعتبار ایران دخیل است و

یکی از عوامل جذب سایر کشورهای منطقه به‌شمار می‌رود. برتری علمی در رشته‌های نوین پزشکی، تجربی، فنی و هسته‌ای سبب گردیده است که کشورهای منطقه نسبت به تحصیل و کسب این علوم سعی و تلاش انجام دهند تا بتوانند از پیشرفت‌های علمی و اقتدار سیاسی و اقتصادی ناشی از آن بهره‌گیرند. کشور عراق هم در این راستا سعی نموده است تا به شیوه‌های گوناگون از موقعیت علمی ایران استفاده نماید. تبادل دانشجویی میان دو کشور، اعزام دانشجویان عراقی به ایران، همکاری‌های علمی با پژوهشکده‌ها و دانشگاه‌های ایرانی و ... نمونه‌ای از فعالیت مسئولین عراقی برای کسب علم از ایران می‌باشد. قاعدتاً چنین نیازی از سوی کشورهای منطقه و علی‌الخصوص عراق می‌تواند بر قدرت نرم ایران بیفزاید.

۷-۲. فعالیت سازمان‌های فرهنگی - مذهبی جمهوری اسلامی ایران

ایران در حوزه فرهنگی فرصت‌های بی‌نظیری را در جهان اسلام دارا می‌باشد و از آنجایی که این سازمان‌های فرهنگی در کشور عراق فعالیت دارند و یا در ارتباط با فعالین فرهنگی کشور عراق هستند می‌توانند قدرت نرم ایران را ارتقاء بخشند. از آن‌جمله:

اول. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

در حال حاضر مهم‌ترین نهاد فعال فرهنگی ایران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است که مهم‌ترین وظیفه خود را ارتباطات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف جهان برای ایجاد زبان مشترک جهت گفتگو و مفاهمه و عرضه کامل و درخور فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی ذکر کرده است (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۸). نمایندگی‌های فرهنگی این سازمان در خارج از کشور ذیل عنوان «رایزنی فرهنگی سفارت‌خانه‌های جمهوری اسلامی ایران» فعالیت می‌کنند. این سازمان در حال حاضر دارای ۶۷ رایزنی فرهنگی در کشورهای مختلف است. این رایزنی‌ها در نقش شعبه‌های سازمان در خارج از کشور و علی‌الخصوص کشور عراق ایفای نقش می‌کنند (احمدی و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۰). سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دارای چندین نشریه به زبان‌های مختلف است و فعالیت‌های خوبی در زمینه معرفی دستاوردهای انقلاب و همچنین زبان فارسی داشته است (نشریه داخلی فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۹: ۹).

دوم. مجمع جهانی تقریب مذاهب

«مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» یکی دیگر از نهادهای فعال در زمینه فرهنگی است که در راستای ایجاد هماهنگی و تشکیل جبهه‌ی واحد مسلمانان در مقابل تبلیغات

دشمنان اسلام به فعالیت می‌پردازد. در شورای عالی مجمع، تعدادی از اندیشمندان برجسته مذاهب گوناگون اسلامی از کشورهای مختلف همچون ایران، عراق، لبنان، مالزی، پاکستان، عمان و ایالات متحده حضور دارند و تعیین خط مشی و فعالیت‌های مجمع و نظارت بر آن را بر عهده دارند. بیش از صد نفر از دانشمندان جهان اسلام نیز در مجمع عمومی این سازمان عضویت دارند که از مذاهب مختلف اسلامی هستند. آنان مسائل و مشکلات کلی جهان اسلام را بررسی نموده و راهکارها و برنامه‌های خود را ارائه می‌دهند.

سوم. مجمع جهانی اهل بیت (ع)

«مجمع جهانی اهل بیت (ع)» تشکیلی جهانی و غیر دولتی است که پس از انقلاب اسلامی (سال ۱۳۶۹) برای تبادل افکار، آراء و شناساندن میراث مشترک جامعه مسلمانان و پیروان اهل بیت (ع) به جهانیان در ایران به وجود آمد. انگیزه اصلی تأسیس آن حمایت از شیعیان جهان و خارج کردن آن‌ها از محرومیت‌های فکری و روحی بوده است (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۸۵). در حال حاضر بیش از ۱۱۰ کشور در مجمع عمومی این مجمع، که هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود، عضویت دارند. تاکنون چهار مجمع عمومی تشکیل شده است. مجمع جهانی اهل بیت (ع) هم‌چنین در بیش از ۳۰ کشور دنیا مجامع محلی اهل بیت (ع) را تشکیل داده است (احمدی و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۰).

چهارم. مجمع جهانی شیعه‌شناسی

«مجمع جهانی شیعه‌شناسی» در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و هدفش معرفی هرچه بهتر فرهنگ تشیع از طریق تشکیل مرکزی فراملی متناسب با شأن و عظمت تشیع بوده است. به این ترتیب، شناسایی اولویت‌های اساسی جهان تشیع در قالب موضوع محوری «نیاز شناسی تشیع در عرصه بین الملل» مورد توجه تصمیم‌گیران مجمع قرار گرفت و فعالیت‌های آن بر این اساس پیگیری شد. مکان مجمع در شهر قم قرار دارد. در زمینه تعاملات و ارتباطات بین المللی، این مجمع کوشیده است حلقه اتصال میان مسلمانان به ویژه شیعیان در سراسر جهان باشد (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۹۰-۱۸۹).

پنجم. سازمان حج و زیارت

بخش دیگری از فعالیت‌های ایران در زمینه فرهنگی-مذهبی را می‌توان در حوزه وظایف و عملکرد «سازمان حج و زیارت» جستجو کرد. این سازمان در کشورهای عربستان سعودی، عراق و سوریه نمایندگی‌هایی را دایر کرده است که این نمایندگی‌ها

در زمینه فرهنگی - مذهبی فعالیت می‌کنند. این نمایندگی‌ها در زمینه برقراری مناسبات با زائران ایرانی مقیم دیگر کشورها و نیز مسلمانان و شیعیانی که از نقاط مختلف جهان برای زیارت به این کشورها سفر می‌کنند، برنامه‌ریزی و فعالیت می‌کنند (احمدی و موسوی، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۰). سازمان حج و زیارت همه ساله تعداد قابل توجهی مبلغ ایرانی به کشورهای عربستان، عراق و سوریه اعزام می‌کند. این سازمان‌ها در کشور عراق فعالیت می‌کنند و دیپلماسی فرهنگی را فعال می‌نمایند و زمینه‌های تبادل فرهنگی، ارتباطات مذهبی و همکاری‌های دوجانبه را فراهم می‌آورند. سازمان‌های فرهنگی - مذهبی مترصد دستیابی به ایجاد زبان مشترک جهت گفت‌وگو و مفاهمه، انجام مبادلات فرهنگی، عرضه کامل فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی، تلاش جهت تقویت مناسبات فرهنگی ایران با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، تلاش برای وحدت اسلامی و حرکت در راستای گفت‌وگوی ادیان هستند و همین امر صلح، دوستی و روح تعاون ایرانیان را به کشورهای منطقه و علی‌الخصوص عراق نشان می‌دهد.

۲-۸. فعالیت انجمن دوستی ایران و عراق

انجمن‌های دوستی، نهادهای مدنی و غیردولتی هستند که هدف آن‌ها تحکیم روابط دوستانه بین مردم دو کشور و نیز پیشبرد اهداف مشترک دو ملت است که بدین لحاظ یکی از منابع مهم قدرت نرم برای کشورها محسوب می‌شوند (موسوی، ۱۳۸۲: ۱). انجمن‌های دوستی از توانایی و ظرفیت مناسبی در جهت گسترش پیوندهای علمی، فرهنگی، توسعه روابط دوستانه میان جوامع مختلف و تحکیم صلح و دوستی ملی و جهانی برخوردار شوند و بنابراین به نحو فزاینده‌ای در حال افزایش و توسعه کمی و کیفی هستند. تعداد انجمن‌های دوستی تأسیس و ثبت شده میان جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها ۴۵ مورد است (تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۳۵). انجمن دوستی ایران و عراق، یک مؤسسه غیردولتی و غیرانتفاعی مردم‌نهاد است که، ضمن رعایت قوانین جمهوری اسلامی ایران و طبق اساسنامه، فعالیت خود را در سطح ملی و بین‌المللی تعقیب می‌نماید. اعضای این انجمن را اغلب فرهیختگان علمی و فرهنگی، سیاست‌مداران، دانشگاهیان و اصحاب هنر و قلم که عموماً آشنا به مسائل عراق و دوستدار این کشور می‌باشند، تشکیل می‌دهند. تحکیم و گسترش روابط فرهنگی و دوستانه بین مردم دو کشور جهت پیشبرد اهداف مشترک در زمینه‌های فرهنگی، علمی، ادبی، هنری، آموزشی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و رسانه‌ای هدف این انجمن می‌باشد. باید اذعان داشت که فعالیت‌های انجمن دوستی ایران و عراق زمینه‌های همکاری دوجانبه را افزایش می‌دهد و در تحکیم روابط

دو کشور تأثیر مثبتی دارد و میزان همبستگی‌های سیاسی و فرهنگی را ارتقاء می‌دهد و در نتیجه نفوذ ایران در کشور عراق فزونی می‌یابد. برگزاری ضیافت‌ها، مهمانی‌ها و مراسم گوناگون که توسط انجمن دوستی برگزار می‌شود، می‌تواند به تصویرسازی مثبت از ایران تأثیر مثبت گذاشته و اخبار جمهوری اسلامی ایران را دائماً در رسانه‌های بین‌المللی زنده نگاه دارد که همین امر، جمهوری اسلامی ایران را کشوری فعال و پویا در عرصه دیپلماتیک معرفی می‌کند.

۲-۹. رواج فرهنگ بومی ایران

هنر یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین حوزه‌های نمایش اقتدار نرم کشور در صحنه جهانی است و در این میان، موسیقی نیز یکی از مظاهر عمده و محوری در بحث قدرت نرم کشورها است (مشایخی و خوشه چرخ، ۱۳۹۱: ۲۰۹). شعر و موسیقی احساسات و پیام‌ها را منتقل می‌کند و می‌تواند ناخودآگاه مردمان کشوری را با آرمان‌های کشوری دیگر هم‌سو نماید. در شمال عراق، موسیقی سنتی ایران طرفداران زیادی در بین مردم کسب نموده است و تاکنون کنسرت‌های متعددی در این ناحیه برگزار گردید (مصاحبه با اردشیر پشنگ، تحلیل‌گر مسائل عراق). از جمله می‌توان به کنسرت استاد شجریان، ایرج، و در سال‌های پیش به کنسرت‌های شهرام ناظری اشاره داشت. البته کنسرت‌های سنتی در این حوزه بیشتر مربوط به حوزه سلیمانیه بوده است، علاوه بر این، گروه موسیقی کامکارها نیز چندین کنسرت در کردستان عراق برگزار کرده‌اند که آخرین مورد آن نوروز سال ۱۳۹۲ بود (مصاحبه با سلیمانی، دفتر انجمن دوستی ایران و عراق). موسیقی و کنسرت‌های موسیقی سنتی که در این کشور برگزار می‌شوند، می‌توانند معرف سنت و فرهنگ ایرانیان باشند، حتی متن ترانه، نوع لباس اعضای برگزار کننده و نحوه برخورد آن‌ها می‌تواند پیام‌هایی را منتقل نماید. استفاده‌ی برنامه‌ریزی شده از این مؤلفه نقش بسیار مؤثری در بالابردن جایگاه ایران در اندیشه‌ی مردمان این کشور و در نتیجه افزایش قدرت نرم ایران دارد و می‌تواند زمینه‌های قرابت و نزدیکی بیشتر دو ملت را فراهم نمایند و پیام ایران را به مردم عراق برسانند.

۲-۱۰. حضور شیعیان در دو کشور

مذهب شیعه، به ویژه در مناطق پیرامونی ایران از عوامل اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). از نظر جغرافیایی بیشتر شیعیان در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس زندگی می‌کنند. در این منطقه کشوری که هم

از نظر کل جمعیت و هم از نظر درصد، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است، ایران است (احمدی، ۱۳۸۶: ۸). بیش از ۹۹ درصد جمعیت کشور ایران را مسلمانان تشکیل می‌دهند (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۲). همچنین، ایران با اکثریت مطلق نود درصد شیعه، بیش از چهل درصد کل جمعیت شیعه جهان است. بنابراین، یکی از دلایلی که منجر به تأثیرگذاری بیشتر قدرت نرم ایران در عراق می‌شود، وجود اکثریت شیعه در دو کشور است (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱). شیعیان عراق، هم از نظر تعداد و هم از نظر تأثیر فکری و ایدئولوژیک، مهم‌ترین گروه شیعه در جهان عرب به شمار می‌رود. حدود شصت درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۱۸۳). شیعیان در مناطق جنوبی عراق و عمدتاً در بصره، نجف و کربلا مستقر هستند و در بغداد هم حضور دارند. بنابراین شیعیان هم از نظر ژئوپلتیک و هم از نظر ثروت و حضور مکانی یعنی در جنوب و در دهانه خلیج فارس و در بغداد در مرکز عراق دارای موقعیت فوق‌العاده مهمی هستند. شکلی از به هم پیوستگی جغرافیایی شیعیان عراق با شیعیان منطقه موجود است. از یک طرف جمهوری اسلامی ایران به عنوان عمق ژئوپلتیک شیعیان عراق محسوب می‌شود و از طرفی جلوه‌هایی از اتصال ژئوپلتیک آن‌ها را از جنوب خلیج فارس به شرق عربستان و لبنان و سوریه می‌توان تصور نمود؛ امری که جایگاه استراتژیک شیعیان عراق را تقویت می‌کند (فلاح، ۱۳۹۱: ۱۹۹). به طور خلاصه، قوی‌ترین اهرم ایران برای نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری در امور عراق، آئین تشیع است. ایران با آگاهی از این موضوع که نزدیک به شصت درصد مردم عراق شیعه هستند، مایل به استفاده از این برگ برنده به واسطه روابط سنتی ایجاد شده با شیعیان عراق است (ملکی و رازقندی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). تحولات ناشی از سقوط رژیم صدام حسین و خروج شیعیان از تنگنای ژئوپلتیک به صورت بارزی نقش ژئوپلتیک شیعیان در عراق را ارتقا بخشیده است. هرچند از جهت کمی تغییر خاصی در جمعیت شیعیان به وجود نیامده است، اما عوامل کیفی هم‌چون اعتماد به نفس و خودباوری، وحدت، رهبری، افزایش آگاهی و بینش سیاسی آن‌ها، حکایت از افزایش وزن ژئوپلتیکی شیعیان دارد.

۱۱-۲. حوزه های علمیه در دو کشور

در میان حوزه‌های علمیه شیعه، حوزه نجف اشرف از جایگاه والا و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (دادفر، ۱۳۸۹: ۹۷). حوزه نجف اشرف به مرور زمان به بزرگ‌ترین و جامع‌ترین حوزه علمی تبدیل شد که در تاریخ هزار ساله آن، عالمان و مجتهدان فراوانی در آن پرورش یافتند (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۵). امام خمینی نیز با هجرت به نجف

اشرف و پانزده سال تدریس و پرورش صدها مجتهد و عالم، نقش مؤثری در پایه‌گذاری بینش سیاسی، اجتماعی در حوزه‌های علمیه قم و نجف داشت (پسندیده، ۱۳۷۹: ۱۱۷-۱۱۶). حوزه گرانقدر نجف اشرف در جوار بارگاه امام علی (ع) با پرورش هزاران مرجع تقلید، مجتهد، عالم و فقیه وارسته و بزرگ، نقش مؤثری در پرورش و تربیت مراجع و مجتهدان عالی‌قدر و بزرگی همچون رهبر کبیر انقلاب اسلامی داشته است و در واقع حکومت اسلامی ایران، ثمره‌ی هزاران سال تلاش خستگی‌ناپذیر حوزه‌های بزرگ شیعه به‌خصوص حوزه علمیه نجف اشرف است (پسندیده، ۱۳۷۹: ۱۱۷-۱۱۶).

حوزه‌ی علمیه قم در ایران نیز به عنوان نهاد تعلیم و تربیت دینی و در میان حوزه‌های علمیه اسلامی در گستره‌ی جهان، به‌خصوص در حوزه‌های علمیه شیعی، اهمیت به‌سزایی دارد. این حوزه با تعلیم و تربیت شخصیت‌ها و روحانیون فرهیخته، اثر و نقش چشم‌گیری در حفظ و درخشش اسلام در جهان داشته است (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ۶۸). در زمینه‌ی ارتباطات و مبادلات بین دو حوزه علمیه قم و نجف می‌توان بیان نمود که حوزه‌های علمیه در تکمیل علوم و اطلاعات خود از یکدیگر بی‌نیاز نبودند و به این ترتیب، رفت و آمد بین حوزه‌ها با یکدیگر برای افاده و استفاده به عنوان یک سیره علمی متداول شد (زهره کاشانی، ۱۳۸۸: ۶۳). بر همین اصل، از گذشته‌های دور ارتباطات قوی بین این دو حوزه برقرار بوده است که این امر می‌تواند موجبات نفوذ بیشتر ایران در عراق را فراهم نماید. در سال‌های بعد از فروپاشی رژیم بعث و اشغال عراق، به رغم تصورات اولیه در خصوص رقابت نجف و قم، روحانیون ارشد دو حوزه علمیه صادقانه و با صمیمیت نسبت به یکدیگر رفتار کردند. البته حمایت علمای ایران از شیعیان عراق و علمای نجف نیز متقابلاً در روابط گرم دو جانبه مؤثر بوده است (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۲). در واقع، وجود جوامع وسیع شیعه در ایران و عراق، یک رابطه هم‌زیستی میان نهادهای روحانی دو کشور به وجود آورده است (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۱۴). ارتباطات موجود میان دو حوزه علاوه بر این که نقش مؤثری در گسترش زبان فارسی دارد، منجر به آشنایی طلاب با فرهنگ و حکومت ایران می‌شود. آنان از نزدیک واقعیت‌های جامعه‌ی ایران را درک می‌کنند و هنگامی که به جامعه‌ی خویش برمی‌گردند همانند مبلغ عمل می‌نمایند و می‌توانند معرف فرهنگ و جامعه‌ی ایران برای سایر مردم کشور خویش باشند.

۲-۱۲. علقه‌های راهبردی

رژیم بعثی عراق، رژیمی ذاتاً ضد ایرانی بود. ایدئولوژی ضدیت با ایران، یکی از عناصر سازنده حزب بعث بود. به عبارت دیگر حزب بعث چنان ساختمانی از پندار و هنجار

از ضدیت با ایران را ساخته بود که نمی‌توانست از این دیوارهای دشمنی ذهنی خارج شود. بر این اساس مخرج مشترک نگاه فوری ایرانیان به عراق، به خصوص پس از به قدرت رسیدن صدام حسین و حاکمیت حزب بعث در بغداد، همواره بر پایه بی‌اعتمادی و سوءظن قرار داشته است. حضور حزب بعث در بغداد، ناسیونالیسم ایرانی را به چالش کشید و نه تنها تعادل در منطقه را بر هم ریخت، بلکه منشأ تنش‌ها و مشکلات بسیار برای ایران و همسایگان این کشور گردید. تهاجم به ایران و تحمیل جنگ ۸ ساله، نمونه‌ی بارز سیاست‌های افراطی حکومت بعث در عراق بوده است (برزگر، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۰). پس از آتش‌بس جنگ ایران و عراق و حمله جنون‌آمیز صدام به کویت، حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور و در نهایت سقوط صدام، سبب تحول در ابعاد مختلف روابط میان دو دولت ایران و عراق که تاکنون بر پایه بی‌اعتمادی و سوءظن قرار داشت گردید.

یکی از دستاوردهای مهم ناشی از سقوط صدام را باید سقوط حزب بعث دانست. علاوه بر آن ارتش عراق، دستگاه حزب بعث و ساختار الاستخبارات آن رژیم نیز از بین رفتند که خود از دستاوردهای راهبردی برای ایران محسوب می‌شوند. نابودی حزب بعث و ساختار سیاسی آن، آرزویی استراتژیک برای ایران بر اساس محاسبات منافع ملی بود. اجماع استراتژیکی در مطلوبیت حذف رژیم بعث و بر هم خوردن ساختارهای تشکیل دهنده آن یعنی حزب، ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی آن وجود داشت. به عبارتی، به رغم همه مخالفت‌های اصولی، ساختاری و بنیادین با نفس حرکت آمریکا علیه عراق، وحدت نظر و اجماعی بی‌نظیر بین نخبگان و مردم ایران در سودمندی حذف صدام و رژیم او وجود داشت (سجادپور، ۱۳۸۳: ۸۱۲). با برگزاری انتخابات آزاد در این کشور و روی کار آمدن نوری المالکی، زمینه‌های پیوند مجدد میان دو دولت-ملت که تاکنون به مثابه دو جزایر جدا از هم در یک منطقه جغرافیایی ادامه حیات می‌دادند، فراهم شد. با توجه به پیشینه تاریخی، ارزش‌ها و تجانس فرهنگی میان دو کشور، شرایط برای استحکام روابط مهیا شد، رشد فزاینده زائران به عتبات عالیات عراق مانند کربلا، نجف، کاظمین و نیز به شهرهای مقدس ایران مانند مشهد و قم از سرگرفته شد که در نتیجه‌ی آن قدرت نرم ایران در دولت-ملت عراق افزایش یافته است و برای آینده نامعلوم ادامه خواهد یافت.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران به دلیل همسایگی با کشور عراق و داشتن برخی اشتراکات تاریخی و فرهنگی - مذهبی، دارای قدرت نرم در این کشور است. در این مقاله منابع قدرت نرم فرهنگی - مذهبی ایران مورد بررسی قرار گرفت که برخی از یافته‌های حاکی از آن است که؛ حضور امام خمینی (ره) در عراق، ریشه‌های ایرانی کشور عراق، عادت‌های تاریخی، زبان فارسی در عراق، سازمان‌های فعال فرهنگی - مذهبی، رواج موسیقی سنتی ایرانی در عراق، انجمن‌های دوستی، حضور درصد قابل توجهی از شیعیان در دو کشور، وجود حوزه‌های علمیه در دو کشور و مبادلات علمی و فرهنگی بین آن‌ها و... از منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین می‌باشد. شناخت این مؤلفه‌های می‌تواند کارشناسان و سیاست‌مداران را در راستای تقویت قدرت نرم در این کشور یاری رساند. می‌توان راهبردهایی را برای ارتقاء و بازتولید قدرت نرم ایران در کشور عراق پیشنهاد داد که برخی از آن‌ها عبارتند از: برگزاری دائمی و مستمر جشن‌های تاریخی - مذهبی مشترک میان عراق و ایران با حضور مقامات بلندپایه، گرامی‌داشت اعیاد ملی عراق توسط مسئولین کشور در راستای تحکیم روابط فرهنگی، گسترش زبان فارسی در کشور عراق از طریق برگزاری سمینارها، همایش‌ها، تولید برنامه‌های آموزشی و پخش کتب فارسی در محیط‌های علمی این کشور، تقویت سازمان‌های مذهبی و فرهنگی میان دو کشور، افزایش روابط انجمن دوستی ایران و عراق و حمایت مسئولین کشوری ایران از این انجمن‌ها، تلاش در راستای گسترش موسیقی و هنر سنتی ایران در کشور عراق و علی‌الخصوص در مناطق شمالی این کشور، همراهی با شیعیان عراق، جلب توجه و حمایت آن‌ها برای پشتیبانی از سیاست‌های اتخاذی جمهوری اسلامی ایران، تقویت کارهای فرهنگی سفارت‌خانه ایران در عراق و غیره.

منابع

- احمدی، سید عباس و الهام سادات موسوی (۱۳۸۹)، «جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران در قلمروهای شیعی جهان اسلام»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- احمدی، عباس (۱۳۹۰)، *انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه*. تهران، اندیشه سازان نور.
- افتخاری، اصغر و احمد جانی‌پور (۱۳۹۲)، «منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی؛ مطالعه موردی: تحلیل وصیت‌نامه شهدای دانشگاه امام صادق (ع)»، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*. سال سوم، زمستان، شماره ۹، صفحات ۴۶-۲۳.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، «مفهوم و جایگاه جنگ نرم در انقلاب اسلامی؛ بر اساس اصول قرآن کریم»، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*. سال اول، بهار، شماره ۲، صفحات ۲۷-۱.
- آقایی، عبدالرضا (۱۳۸۸)، «دوران تبعید امام خمینی (ره) در عراق»، *ماهنامه رشد*. دوره یازدهم، زمستان، شماره ۲.
- امام شوشتری، سید محمدعلی (۱۳۴۷)، «کشور عراق از دیدگاه فرهنگ و تمدن رنگ ایرانی دارد نه غربی»، *نشریه بررسی‌های تاریخی*. سال سوم، شماره ۱۵ و ۱۶.
- باقری، سیامک (۱۳۸۷)، *بسیج و مدیریت قدرت نرم: رویکردی سیستمیک، در قدرت نرم*. جلد ۳، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- برنا بلداجی، سیروس (۱۳۹۱)، *عراق نوین و بایسته‌های استراتژیک ایران*. تهران: کانون پژوهش‌های خلیج فارس.
- بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران* (مطالعه موردی لبنان). تهران:

دانشگاه امام صادق (ع).

- بیگدلو، مهدی (۱۳۹۰)، «تأثیر پدافند غیرعامل بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**. سال نهم، پائیز، شماره ۳۴.
- پارساپور، روزبه (۱۳۸۸)، **بغدادنامه** (بررسی ریشه‌های ایرانی کشور عراق، بر پایه مستندات تاریخی). تهران: مرکز مطالعات خلیج فارس.
- پارساپور، روزبه (۱۳۸۹)، «نقش ایران و عراق در تأمین امنیت خلیج فارس»، **ماهنامه خلیج فارس و امنیت**. سال دهم، شماره ۱۰۴، فروردین.
- پیشگاهی فرد، زهرا و دیگران (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد**. سال بیستم، زمستان، شماره ۶۱.
- تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی در مقایسه با خاورمیانه»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**. شماره ۶۷.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، **تشیع در عراق، مرجعیت و ایران**. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- جمالی، جواد (۱۳۸۹)، «تأثیرسنجی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر انقلاب‌های عربی»، **فصلنامه عملیات روانی**. سال هفتم، بهار و زمستان، شماره ۲۸.
- خسروی، محمد علی و عباسعلی جباری‌ثانی (۱۳۹۰)، «ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**. سال سوم، بهار، شماره ۱۱.
- خواجه سروی، غلامرضا و مریم رحمنی (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در عراق»، **پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی**. سال اول، تابستان، شماره ۳.
- داداندیش، پروین و افسانه احدی (۱۳۹۰)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه روابط خارجی**. سال سوم، بهار، شماره اول.
- دادفر، سجاد (۱۳۸۹)، «تحول و دگردیسی در نمای جامعه‌شناختی شیعیان عراق در قرن بیستم (علل - پیامدها)»، **فصلنامه شیعه‌شناسی**. سال هشتم، زمستان، شماره ۳۲.
- درخشه، جلال و مصطفی غفاری (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها»، **مطالعات فرهنگ - ارتباطات**. سال دوازدهم، زمستان، شماره‌ی شانزدهم.
- دکمجیان، هرایر (۱۳۷۷)، **اسلام در انقلاب جنبش‌های در جهان عرب**. ترجمه‌ی حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.

- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۵)، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه حضور**. تابستان، شماره ۵۷.

- زهره کاشانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، «تاریخ حوزه علمیه قم از تأسیس تا سده چهارم (تحلیلی بر زمینه‌ها و عوامل پیدایش و شکوفایی)»، **فصلنامه تربیت اسلامی**. سال چهارم، شماره ۸.

- سجادیپور، محمدکاظم (۱۳۸۳)، «ایران و بحران بین‌المللی عراق: چالش‌ها و واکنش‌ها»، **فصلنامه سیاست خارجی**. سال هیجدهم، زمستان، شماره ۴.

- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۱)، «عراق، استمرار خشونت و رویای دموکراسی: یک تحلیل چند سطحی»، **فصلنامه راهبرد**. سال بیست و یکم، شماره ۶۳.

- سنائی، اردشیر و محمد رضا عبدالله پور (۱۳۸۸)، «رویارویی ایران و آمریکا: رقابت در عرصه قدرت نرم و سخت»، **فصلنامه دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی**. سال دوم، پاییز، شمارگان هشتم و نهم.

- غفاری هاشجین، زاهد و همکاران (۱۳۸۹)، «وضعیت اجتماعی عراق پس از نظام بعثی»، **رهیافت انقلاب اسلامی**. سال چهارم، بهار و تابستان، شماره ۱۲.

- فراهانی، نازنین (۱۳۸۵)، «آیین نوروز در کشورهای همجوار»، **نحوای فرهنگ**. شماره ۲.

- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱)، «برآورد محیط سیاسی شیعیان عراق»، **فصلنامه پانزده خرداد**. سال دهم، دوره سوم، شماره ۳۴.

- فولر، گراهام و فرانکه رند رحیم (۱۳۸۴)، **شیعیان عرب: مسلمانان فراموش شده**. ترجمه خدیجه تبریزی، قم: انتشارات شیعه‌شناسی، چاپ اول.

- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰)، «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه»، **فصلنامه‌ی مطالعات قدرت نرم**. سال اول، پاییز، شماره اول.

- کلاهدوز، عباس (۱۳۸۹)، «امام با درس حکومت اسلامی انفجاری در حوزه نجف پدید آوردند»، **روزنامه ایران سیاسی**. سال هفدهم، ۱۶ بهمن، شماره ۴۷۱۵.

- کمالی سرپلی، عبدالقادر (۱۳۸۸)، «سیرتاریخی پیدایش حوزه‌های علمیه»، **سخن تاریخ**. شماره ۷.

- کمالیان (۱۳۸۷)، **دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و نقش زبان فارسی** (گزارش پژوهشی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- مار، فب (۱۳۸۰)، **تاریخ نوین عراق**. ترجمه‌ی محمد عباس‌پور، مشهد: بنیان پژوهش‌های اسلامی.

- محتشمی پور (۱۳۷۶)، **خاطرات حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر محتشمی پور**. تهران: انتشارات سوره.
- محقق، سید عدنان (۱۳۸۹)، «نقش و کارکرد فرا طایفه ای مرجعیت شیعه در عراق معاصر»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**. سال هفدهم، پاییز، شماره ۳.
- مرادی، حجت الله (۱۳۸۹)، «بررسی راهبرد تهدید سخت و نرم آمریکا در محیط نوین بین المللی»، **در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل**، تهران: نشر ساقی.
- مشایخی، حمید رضا و اصغر خوشه چرخ (۱۳۹۱)، «نگاه نوستالژیک خاقانی و بحتری به ایوان مداین»، **ماهنامه ادب عربی**. سال چهارم، بهار، شماره اول.
- ملکی، محمد رضا و انسیه رازقندی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی و دولت احمدی نژاد: بازی در سطح خرد در خاورمیانه»، **فصلنامه علوم سیاسی**. پاییز، شماره ۱۶.
- موسوی، سید حسین (۱۳۸۲)، «انجمن های دوستی، کوتاه ترین راه شناخت ملل»، **پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه**. دوم اردیبهشت ماه.
- نای، جوزف (۱۳۸۳)، **قدرت نرم**. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، جوزف (۱۳۸۶)، «منافع قدرت نرم»، ترجمه ناصر بلیغ، **فصلنامه مطالعات بسیج**. سال دهم، پائیز، شماره ۳۶.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، **قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در روابط بین الملل**. ترجمه ی محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، جوزف (۱۳۸۹)، «قدرت نرم و رهبری»، ترجمه عسگر قهرمان پور بناب، **در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل**، تهران: نشر ساقی.
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۹)، «ماهیت و عناصر قدرت نرم»، **در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل**، تهران: نشر ساقی.